

نمونه سوالات استخدامی

زبان و ادبیات فارسی

در آزمون های استخدامی با پاسخنامه کلیدی و تشریحی

TSNA.ir

اخطار: هرگونه فروش، بازنشر، یا استفاده غیرقانونی از این فایل، از جمله تغییر در لوگو، آرم یا محتوای آن، ممنوع بوده و موجب پیگرد قانونی خواهد شد. متخلفان علاوه بر پاسخگویی در برابر مراجع قانونی، تحت تعقیب حقوقی قرار می گیرند.

توجه:

این نمونه سوالات استخدامی بصورت نمونه جهت آشنایی شما با سوالات این بسته بصورت رایگان ارائه شده است. برای تهیه بسته کامل این سوالات استخدامی به سایت تسنا مراجعه نمایید.

۱. مفهوم کدام گزینه با بقیه گزینه ها متفاوت است؟ (آزمون استخدامی آموزش و پرورش آموزگاری، مرداد ۱۴۰۴)

(۱) رعیت چو بیخ اند و سلطان درخت/ درخت ای پسر باشد از بیخ سخت

(۲) با چون گرد آمدن خلقی موجب پادشاهی است، تو سر خلق را پریشان برای چه می کنی؟

(۳) پادشاهی که طرح ظلم افکند / از پای دیوار ملک خویش بکند

(۴) اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی/ برآوردن غلامان او درخت از بیخ

پاسخ کارشناس TSNA.ir به سوال ۱: گزینه ۴ صحیح است.

با بررسی هر یک از گزینه ها، مفهوم اصلی آن ها را استخراج می کنیم:

(۱) رعیت چو بیخ اند و سلطان درخت/ درخت ای پسر باشد از بیخ سخت

این بیت بر اهمیت رعیت (مردم) به عنوان پایه و اساس حکومت تأکید دارد. سلطان مانند درختی است که استحکام آن وابسته به رعیت (ریشه) است. اگر ریشه ضعیف شود، درخت نیز سقوط می کند.

(۲) با چون گرد آمدن خلقی موجب پادشاهی است، تو سر خلق را پریشان برای چه می کنی؟

این جمله نیز بر نقش مردم در تشکیل و تداوم پادشاهی تمرکز دارد. گرد آمدن مردم است که موجب پادشاهی می شود، بنابراین آزار دادن آن ها منطقی نیست.

(۳) پادشاهی که طرح ظلم افکند / از پای دیوار ملک خویش بکند

این بیت هشدار می دهد که حاکم اگر دست به ظلم بزند، در واقع پایه های حکومت خود را سست کرده و آن را نابود می کند. ظلم به مردم باعث سقوط حکومت می شود.

(۴) اگر از باغ رعیت ملک خورد سیبی/ برآوردن غلامان او درخت از بیخ

این بیت برعکس سه گزینه دیگر، به حاکم هشدار می دهد که اگر حتی کوچک ترین تعدی به مردم (رعیت) کند، عواقب شدیدی خواهد داشت. حتی خوردن یک سیب از باغ رعیت ممکن است باعث شود غلامانش درخت را از ریشه برکنند. این نشان دهنده حساسیت بالای مردم نسبت به ظلم حاکم است، اما با سه گزینه دیگر که بر اهمیت مردم به عنوان پایه حکومت تأکید دارند، متفاوت است. زیرا در اینجا به عکس العمل شدید مردم در برابر کوچک ترین ظلم اشاره می کند، در حالی که سه گزینه دیگر بیشتر بر نقش اساسی مردم در تشکیل و بقای حکومت تمرکز دارند.

با این حال، همه گزینه ها به رابطه بین حاکم و مردم می پردازند، اما گزینه ۴ از لحاظ مفهومی کمی متفاوت است. زیرا سه گزینه اول مستقیم تر بر وابستگی حاکم به مردم و لزوم رعایت حقوق آنان تأکید می کنند، اما گزینه ۴ به عواقب شدید حتی کوچک ترین تجاوز حاکم به حقوق مردم می پردازد. به عبارت دیگر، سه گزینه اول "مثبت" و سازنده هستند (اهمیت مردم برای حکومت)، اما گزینه ۴ "منفی" و هشداردهنده است (عواقب ظلم کوچک).

اما اگر دقیق تر نگاه کنیم، همه آن ها در یک مفهوم کلی مشترک هستند: "لزوم عدالت و رعایت حقوق مردم توسط حاکم". اما از بین آن ها، گزینه ۲ ممکن است کمی متفاوت باشد، زیرا مستقیماً به "گرد آمدن خلقی" به عنوان علت پادشاهی اشاره می کند، در حالی که دیگران به استعاره های دیگری متوسل شده اند.

اما پس از تحلیل دقیق تر، به نظر می رسد که گزینه ۴ بیشتر بر عکس العمل مردم در برابر ظلم تأکید دارد، در حالی که سه گزینه دیگر بر نقش مردم به عنوان پایه حکومت. بنابراین، مفهوم گزینه ۴ با بقیه متفاوت است.

۲. مفهوم کدام گزینه با بقیه گزینه ها متفاوت است؟ (آزمون استخدامی آموزش و پرورش آموزگاری، مرداد ۱۴۰۴)

(۱) آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست / عالمی دیگر نباید ساخت و ز نو آدمی

(۲) من که صلحم دائماً با این پدر / این جهان چون جنشتم در نظر

(۳) پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

(۴) گر کار فلک به عدل سنجیده بدی / احوال فلک جمله پسندیده بدی

پاسخ کارشناس TSNA.ir به سوال ۲: گزینه ۱ صحیح است.

بسیار خوب، بیاییم مثل کار آگاه ادبی سراغ گزینه‌ها برویم و یکی یکی تحلیل کنیم:

(۱) آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست / عالمی دیگر نباید ساخت و ز نو آدمی

← مضمون: ناکارآمدی و نارسایی آدم موجود؛ آرزوی آفرینش جهانی تازه با «آدمی» نو.

(۲) من که صلحم دائماً با این پدر / این جهان چون جنشتم در نظر

← مضمون: «جهان» (پدر) را نیک و پذیرفتنی می بیند؛ جهان برای شاعر همچون جهیزیه‌ی خوشایند است. نگاهی آشتی‌جویانه و مثبت به جهان.

(۳) پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد

← مضمون: جهان آفرینی خداوند بی نقص است؛ آنچه هست، درست و بی خطاست.

(۴) گر کار فلک به عدل سنجیده بدی / احوال فلک جمله پسندیده بدی

← مضمون: بدبختی و نابسامانی جهان ناشی از بی عدالتی چرخ است؛ اگر به عدالت می بود، همه چیز نیکو می شد.

مقایسه:

- گزینه‌های ۲ و ۳ نگاه تأییدآمیز و مثبت دارند (جهان را خوش و بی عیب می دانند).
- گزینه‌ی ۴ نگاه انتقادی و معترض دارد (فلک را ناعادل می بیند).
- گزینه‌ی ۱ اساساً به ناکافی بودن «عالم خاکی و آدم کنونی» می پردازد و به دنبال آفرینش دوباره‌ی آدمی و جهانی نو است؛ این نگاه هم از نظر مضمون با بقیه متفاوت است، چون نه فقط نقد یا ستایش وضع موجود، بلکه سخن از جهان دیگری ساختن دارد.

✅ نتیجه: گزینه‌ی ۱ از نظر مفهوم با بقیه متفاوت است. (بقیه درباره‌ی «خوبی یا بدی همین جهان موجود» داوری می کنند، ولی گزینه‌ی ۱ به کل می گوید باید «جهان دیگری» خلق شود.)

۳. کدام گزینه دارای حسن تعلیل است؟ (آزمون استخدامی آموزش و پرورش آموزگاری، مرداد ۱۴۰۴)

- (۱) مگر که لاله بدانست بی وفایی دهر/ که تا بزاد و بشد جام می ز کف نهاد
- (۲) ز کوی میکده دوشش به دوش می بردند / امام شهر که سجاده می کشید به دوش
- (۳) تویی آن گوهر پاکیزه که در عالم قدس / ذکر خیر تو بود حاصل تسبیح ملک
- (۴) بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه / که از پای خمت یک سر به حوض کوثر اندازیم

پاسخ کارشناس TSNA.ir به سوال ۳: گزینه ۱ صحیح است.

اول یادآوری کنیم که حسن تعلیل یعنی چه؟

حسن تعلیل در فنون بلاغی آن است که شاعر یا نویسنده برای یک پدیده طبیعی یا واقعی، به جای علت واقعی و علمی، یک علت هنری، خیالی یا شاعرانه می آورد.

خب حالا برویم سراغ گزینه ها:

(۱) مگر که لاله بدانست بی وفایی دهر / که تا بزاد و بشد جام می ز کف نهاد

← اینجا شاعر می خواهد بگوید چرا لاله همیشه شکافی شبیه جام پر از خون دارد (در باور عمومی شبیه جام سرخ). علت واقعی: طبیعت و رنگ گیاه است. علت شاعرانه: چون لاله فهمید دنیا بی وفاست، پس از لحظه تولد تا مرگش جام می در دست نگه داشت. این دقیقاً نمونه حسن تعلیل است.

(۲) کوی میکده دوشش به دوش می بردند / امام شهر که سجاده می کشید به دوش

← این طنز و طنز تلخ اجتماعی است (رندی حافظ!): امام شهر ریاکارانه به میخانه می رود. ولی اینجا علت خیالی برای پدیده ای طبیعی داده نشده؛ بیشتر افشای نفاق است. پس حسن تعلیل ندارد.

(۳) تویی آن گوهر پاکیزه که در عالم قدس / ذکر خیر تو بود حاصل تسبیح ملک

← ستایش است؛ می گوید ارزش تو در عالم پاک منعکس است. باز هم حسن تعلیل در معنای بلاغی دیده نمی شود، بیشتر تمجید است.

(۴) بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه / که از پای خمت یک سر به حوض کوثر اندازیم

← اینجا هم اغراق و تشبیه است: میخانه چنان بهشت است. حسن تعلیل نیست.

۴. در متن زیر چند غلط املایی یافت می‌شود؟

«چنانچه بعد از انقضای مدت یا بعد از فسخ، مستأجر مورد اجاره را سالم تخلیه کرده، بخواهد تحویل موجر بدهد؛ لیکن موجر از تحویل گرفتن آن خودداری ورزد، مستأجر حق دارد با ارائه مفاسا حسابهای برق و آب و گاز منسوبه برای تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر به دادگاه صالح رجوع نمایند.»

(۱) سه (۲) دو

(۳) یک (۴) چهار

پاسخ کارشناس TSNA.ir به سوال ۴: گزینه ۳ صحیح است.

۵. انتساب کدام اثر به پدید آورنده آن نادرست است؟

(۱) خانه ای برای شب: نادر ابراهیمی (۲) تنگسیر: صادق چوبک

(۳) تلخ و شیرین: علی اکبر دهخدا (۴) آخر شاهنامه: اخوان ثالث

پاسخ کارشناس TSNA.ir به سوال ۵: گزینه ۳ صحیح است.

۶. در بیت زیر کدام واژه ایهام تناسب دارد؟

«ز ابروی شوخ تو پیوسته همین دارم چشم که دل ریش مرا یک سر مو دارد گوش»

(۱) شوخ (۲) یک سر مو

(۳) ریش (۴) پیوسته

پاسخ کارشناس TSNA.ir به سوال ۶: گزینه ۳ صحیح است.

برای تهیه بسته کامل این سوالات استخدامی به سایت تسنا مراجعه نمائید.

TSNA.ir